

حقوق اقلیت‌ها در سیره علوی

چکیده

حقوق اقلیت‌ها از قدیم در جوامع گوناگون دارای اهمیت بوده و در ادوار مختلف تاریخی با توجه به قدرت و جایگاه گروه اقلیت، رفتارهای متفاوتی با ایشان صورت گرفته است. این پژوهش، با بررسی و مقایسه حقوق اقلیت‌ها از دوران باستان تا عصر حاضر با دوران حکومت حضرت علی(ع)، قصد دارد که الگویی ویژه از حقوق اقلیت‌ها در سیره علوی را ترسیم کند.

واژه‌های کلیدی: اقلیت، ادوار تاریخی، حضرت علی(ع).

مقدمه

بحث از حقوق اقلیت‌ها در مقایسه با اکثریت حاکم، دارای اهمیت ویژه‌ای است، به ویژه در عصر کنونی که برخی از کشورها و استعمارگران در چهره به ظاهر خیرخواهی، داعی حقوق بشر هستند و فریاد اجرای عدالت و حمایت از حقوق بشریت آنها گوش فلک را کر می‌کند. اقلیت‌ها گونه‌های مختلفی دارند، مانند اقلیت‌های دینی، نژادی، زبانی، قومی و غیره، اما آنچه در این نوشتار بیشتر مورد نظر ماست، همان اقلیت دینی (مذهبی) است، هر چند اقلیت‌های غیر مذهبی نیز در صورتی که حالت محاربه به خود نگرفته باشند، همان وضعیت اقلیت‌های مذهبی را خواهند داشت.

نوشتار حاضر در دو بخش تنظیم و ارائه می‌شود؛ بخش اول، شامل بررسی حقوق اقلیت‌ها از دوران باستان تا عصر کنونی می‌شود و بخش دوم، پیرامون حقوق اقلیت‌ها در سیره علوی است.

تعریف اقلیت

تعریفی که در ادامه می‌آید، تعریف کاپوتوژی از اقلیت است که مورد قبول همگان نیز می‌باشد. اقلیت عبارت است از: گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد، کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن کشور هستند، ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی وحدت منافع و هم‌بستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند (ترنبری، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

با توجه به این تعریف، اقلیت دارای چند شاخصه است: اول اینکه، از نظر جمعیت کمتر از بقیه جمعیت کشور هستند. دوم اینکه، حاکمیت در دست غیر آنها است. سوم اینکه، آنها به لحاظ قومی، مذهبی و یا زبانی از دیگران متفاوت هستند و شاخصه آخر اینکه، برای حفظ فرهنگ و آداب و رسوم خودشان نوعی وحدت دارند.

زمینه تاریخی

با بررسی کتب می‌توان ادعا نمود که مسئله اقلیت‌ها از لحاظ تاریخی به دوران باستان برمی‌گردد. نخستین اعلامیه حقوق بشر جهانی، در زمان ایران باستان و در زمان حکومت کوروش کبیر صادر شده است. کوروش در این منشور، برده‌داری را ممنوع اعلام کرده و به بازگرداندن همه اسیران و بردگان به سرزمین‌های خودشان دستور داده است.

در عصر حاکمیت داریوش نیز ما شاهد این هستیم که برای اقلیت‌ها حقوق و مزایایی در نظر گرفته شده بود. در این عصر، یک قانون جامع، مشهور به دادنامه داریوش وجود داشت. سلسله مقررات آیین زرتشت بر همین دادنامه مبتنی بود. داریوش قانون اساسی

کشور را بر مبنای بردباری دینی و رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی تدوین کرده بود و در نگارش این قانون، آداب و رسوم، سنن و مقررات ملل مغلوب را تا جایی که به منزلت امپراطوری هخامنشی لطمه و ضربه وارد نکند، لحاظ کرده است.

در عصر هخامنشی، حق پناهندگی افراد نیز مورد توجه قرار گرفته بود. ماجرای پناهندگی تمیستو کل سردار بزرگ یونانی به دربار اردشیر، نمونه‌ای از اجرای اصل رعایت حق پناهندگی اتباع کشورهای بیگانه است (سایت گوگل: طاهری).

در سرزمین یونان و رم باستان نیز مسئله اقلیت‌ها وجود داشته است؛ ولی آنها برعکس ایرانیان برای حقوق اقلیت‌ها ارزشی قائل نبوده و حقوق آنها را مراعات نمی‌کردند. از آنجا که حقوق باستان به شدت فلسفی بوده است؛ بنابراین، ارسطو بنیان‌گذار و نظریه‌پرداز حقوق مردمان سرزمین یونان است. شهروندان یونان و و رم باستان، افراد آزاد محسوب می‌شدند و از حقوق و مزایای کامل برخوردار بودند؛ اما بیگانگان و بردگان این گونه نبودند. ارسطو برای توجیه برده‌داری به طبیعت و نتیجه اعمال و رفتارها اشاره می‌کند (سایت گوگل: مفتاح).

با مراجعه به تاریخ حقوق بین‌الملل می‌توان مثال‌های زیادی برای قرارداد به خاطر گروه‌های خاص پیدا کرد. از جمله آن موارد، پیمان اولیه‌ای است که در سال ۱۶۶۰ توسط لهستان و اکتور کبیر منعقد شد و طی آن پومرانیا و لیونیا در اختیار سوئد قرار گرفت و به ساکنین این سرزمین‌ها تضمین داده شد که از آزادی‌های مذهبی بهره‌مند می‌شوند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۲۴) همچنین ما می‌توانیم در روابط بین مسلمانان و مسیحیان، پیمان‌هایی را که برای اقلیتی منعقد شده، ملاحظه نماییم، مانند پیمان سنت لوئیس فرانسه در ۱۲۵۰م که برای حمایت از مارونی‌هایی منعقد شد که اتباع فرانسه محسوب می‌شدند. در این پیمان‌های اولیه غالباً بر آزادی وجدان و آزادی انجام مراسم عبادی تأکید می‌شد (ترنبری، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

تا قبل از تشکیل دولت‌های ملی، مهم‌ترین شاخصه شناسایی بشر و گروه‌های مختلف، دین بود و وابستگی دینی بر سایر وابستگی‌ها، یعنی قومی، نژادی، زبانی و غیره برتری داشت. پیروان دو دین بزرگ جهان اسلام و مسیحیت، جزء اکثریت و پیروان ادیان دیگر، جزء اقلیت به شمار می‌رفتند و دیگر گروه‌های اقلیتی، مانند قومی، زبانی و غیره مورد توجه نبودند.

وضع اقلیت‌ها پیش از تشکیل دولت‌های ملی

سند نهایی کنگره وین در سال ۱۸۱۵م که پس از شکست ناپلئون تنظیم شد، برابری حقوق سیاسی و مدنی دارندگان کیش‌های مختلف مسیحی را به رسمیت شناخت. در این سند، حقوق لهستانی‌ها برای تأسیس نهادهایی که تأمین‌کننده ملیت آنان باشد، به رسمیت شناخته شد. در واقع، این اولین سند بین‌المللی بود که از اقلیت‌های ملی و زبانی سخن به میان آورد و حقوق ایشان را به رسمیت شناخت (خوبروی پاک، ۱۳۸۰، ص ۲۸).

در کنگره برلین ۱۸۷۸م، پیمانی برای به رسمیت شناختن استقلال چهار منطقه مونته‌نگرو، بلغارستان، رومانی و صربستان منعقد شد که برای نخستین بار، اصل کلی حمایت اقلیت‌ها، احترام به آزادی مذهب و همچنین برابری حقوق مدنی و سیاسی انسان‌ها به رسمیت شناخته شد؛ بنابراین، کشورهای مسیحی شرکت‌کننده در کنفرانس برلین برابری اقلیت‌ها و اکثریت را به رسمیت شناخت و همان گونه که برای اکثریت، آزادی مذهب و دین را قائل بودند، برای اقلیت هم این آزادی را پذیرفتند (همان، ص ۲۹).

عصر نوین اروپا که با انقلاب‌های فرانسه و آمریکا پدیدار شد، مسئله حمایت از اقلیت‌ها را از جنبه مذهبی دور کرد و به جنبه ملی نزدیک نمود. انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، اصل آزادی مذاهب و عبارت در ملأ عام را منعقد کرد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۲۵).

وضع اقلیت‌ها در پایان جنگ جهانی اول

با پایان یافتن جنگ جهانی اول، کشورهای فاتح بر این باور بودند که علت اصلی وقوع جنگ، مسئله اقلیت‌های قومی و ملی بوده است. بنابراین، پس از جنگ، حق ملت‌ها در گزینش دولت خویش و همین طور بحث ملیت‌ها و اقلیت‌ها را مطرح کردند. به دنبال

فروپاشی امپراطوری‌ها در این جنگ، کشورهای جدیدی تأسیس شدند و کنفرانس صلح پاریس، مرزهایی برای این مناطق تعیین نمود که در این مرزبندی‌ها، ادعای حق ملت‌ها برای گزینش دولت خود مورد توجه قرار گرفت (خوبروی‌پاک، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

اولین کنوانسیون که پس از جنگ جهانی اول به حمایت از حقوق اقلیت‌ها پرداخت، کنوانسیون ۱۹۳۸ بود که در آن بر ممنوعیت و مجازات نسل‌کشی تأکید شد. این کنوانسیون، بخشی از حقوق جزایی بین‌الملل را تشکیل می‌دهد و به برخی از حقوق رفاهی اقلیت‌ها توجه دارد (ترنبری، ۱۳۷۹، ص ۲۸).

با ملاحظه پیمان ورسای، امتیازات خوبی را می‌توان به نفع اقلیت‌ها مشاهده کرد. در موارد ۸۶ و ۹۷ این پیمان، حمایت از اقلیت‌ها گنجانده شده است، کمیسیونی به نام کمیسیون دولت‌های نوین، پنج معاهده ویژه در مورد حقوق اقلیت‌ها در متن کنفرانس صلح، تهیه و تصویب کرد. بدین ترتیب، اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی از انواع حقوق و آزادی‌ها بهره‌مند شدند که عبارت است از: حق انتخاب شهروندی، حق حیات، آزادی‌های فردی، اجرای مراسم مذهبی، برابری در برابر قانون، برابری حقوق مدنی و سیاسی، برابری رفتار و تضمین‌های حقوقی و علمی، آزادی به کارگیری زبان در روابط شخصی و تجاری و حق آزادی مطبوعات؛ اما به وضوح می‌توان ملاحظه نمود که اینها در بیشتر موارد، از حد نوشته و کاغذ تجاوز نکرد و دارای ضمانت اجرایی نبود، به طوری که حتی آلمان شکست خورده در جنگ نیز خود را متعهد به اجرای آن ندید و همه آنها را در مورد اقلیت‌های دانمارکی و لهستانی مقیم آلمان نادیده گرفت (همان، ص ۳۱). تأیید این گفته ما، کلام مؤلف کتاب حقوق اقلیت‌ها است: «در دوران پس از جنگ جهانی اول، کشورها آزاد بودند که مطابق میل خود با اقلیت‌هایشان رفتار کنند و گواه این مدعا، انتقال اقلیت‌ها از جمله آلمانی‌ها پس از جنگ است» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۲۴).

در فاصله دو جنگ جهانی، یعنی از پایان جنگ اول تا آغاز جنگ جهانی دوم، دو موضوع حفظ صلح جهانی و حفظ حقوق اقلیت‌ها با هم در تعارض قابل توجهی بودند و بیشتر دولت‌ها حفظ صلح جهانی را بر دیگری ترجیح می‌دادند. به این ترتیب بود که جنگ جهانی دوم به بهانه حفظ حقوق اقلیت‌های آلمانی به وقوع پیوست (ترنبری، ۱۳۷۹، ص ۳۴).

وضع اقلیت‌ها پس از جنگ جهانی

با انحلال جامعه ملل بعد از جنگ، به نظر می‌رسید که زمان مناسبی فرا رسیده تا سازمان ملل متحد تازه تأسیس، بتواند کمبودها و کاستی‌های قبل را جبران نماید. پس از تشکیل سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی آن، کمیسیون حقوق بشر را تشکیل داد و از آن خواست تا اعلامیه‌ای مبنی بر حمایت از حقوق بشر و اقلیت‌ها تهیه و تدوین نماید که این درخواست توسط مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۶۴م تصویب شد و در ماه ژوئن همان سال، کمیسیون فرعی حقوق بشر مأمور حمایت از اقلیت‌های نژادی، ملی، مذهبی و زبانی شد (خوبروی‌پاک، ۱۳۸۰، ص ۳۷).

اگر چه در اجلاس ۱۹۴۸م مجمع عمومی سازمان ملل که برای تصویب حقوق بشر تشکیل شد، بعد از بحث و مناظره، در نهایت نامی از حقوق اقلیت‌ها برده نشد؛ اما سازمان ملل متحد در نوامبر سال ۱۹۶۳م اعلامیه طرد اشکال گوناگون تبعیض نژادی را تصویب کرد و دو سال بعد، سازمان ملل میثاق بین‌المللی به همان نام تهیه کرد که از چهارم ژانویه ۱۹۶۹م اعتبار قانونی یافت. این عهدنامه برای همه افراد و گروه‌ها اعم از افراد وابسته به اقلیت و اکثریت به رسمیت شناخته شد (همان، ص ۴۰).

اما نکته قابل توجه این است که حمایت از اقلیت‌ها در دوره‌های معاصر و همین طور بعد از تصویب معاهدات یاد شده، جنبه سیاسی پیدا کرده و کشورهایی که خود را مدافع این گروه‌ها نشان می‌دهند، بیشتر به خاطر آن است که برای آنها منافع سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی را در برخواهد داشت. بنابراین، جوامع کنونی در بحث حمایت از اقلیت‌ها در مقام عمل، قابل مقایسه با دوره حکومت اسلامی صدر اسلام (حکومت حضرت رسول (ص) و حضرت امیر(ع)) نیست.

حقوق اقلیت‌ها در سیره علوی

اسلام، مکتبی انسان‌ساز است که دارای برنامه‌ای کامل و منسجم برای به کمال رسیدن بشریت است؛ برنامه‌ای که در صورت عمل به آن قطعاً افراد به سر منزل مقصود خواهند رسید. تبلیغ این دین کامل، بر عهده آخرین سفیر الهی گذاشته شد که برای همه به عنوان الگو معرفی شده است. رفتار و کردار حضرت رسول(ص) بدون هیچ عیب و ایرادی بود؛ چرا که قرآن ایشان را به دور از هوی و هوس معرفی کرده است. برخورد و رفتار حضرت با همه افراد، به ویژه گروه‌های اقلیت قابل توجه و تأمل است. جانشین ایشان هم همان مسیر را طی کرد و دین اسلام هم همان را سفارش می‌کند. ما در اینجا می‌خواهیم نحوه و کیفیت نگرش و عملکرد امام علی(ع) نسبت به اقلیت‌ها را بیان نماییم. البته منظور ما از اقلیت‌ها گونه مذهبی آن است. گرچه این نوشته در صدد بیان تمامی موارد و مصادیق نیست؛ ولی در حد توان تعدادی از این نمونه‌ها را بیان می‌کنیم تا نشانگر رفتار همراه با عواطف انسانی و پر از مهر و محبت امام اول ما باشد.

حقوق اقلیت‌ها

۱. عواطف انسانی

«**تَحْقِرْنَ لَطْفًا تَعَاهِدْتُمْ بِهِ وَ اِنْ قَلَّ فَلَ تَعْدَرْنَ بِذِمَّتِكُمْ وَ لَا تُخْنِنَنَّ بَعْدَكُمْ**؛ هیچ نوع عواطف و الطافی را که در بین تعهدات خود نسبت به اقلیت‌ها پذیرفته‌اند، اندک نشمارید، هر چند این عواطف ناچیز باشد، مهم است؛ هرگز ذمه خود را معذور ندارید و به تعهدات خویش خیانت نورزید» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

همان طور که در این فراز از نامه امام علی(ع) به مالک اشتر ملاحظه می‌شود، حضرت بر به کارگیری عواطف انسانی نسبت به اقلیت‌ها تأکید می‌کند و خود ایشان در عمل هم این نکته را مراعات می‌کردند. در نظر حضرت، اموال و اعراض همه انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیر مسلمان محترم است و از این رو، پس از آنکه خبر حمله سپاه معاویه به شهر انبار و تعرض آنان به زنان مسلم و غیر مسلم (اهل ذمه) را شنید فرمود: «به من خبر رسیده که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ بوده، وارد شده و خلخال، دستبند، گردنبند و گوشواره‌های آنها را از تنشان بیرون آورده، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس نداشته‌اند. آنها بدون پرداخت کوچک‌ترین هزینه‌ای با غنیمت فراوان برگشته‌اند. اگر به خاطر این حادثه، مسلمانی از تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است» (به نقل از: حسینی، ۱۳۸۷).

۲. آزادی عقیده (گواهی به حقانیت)

لکن **لِلَّهِ سُبْحَانَهُ اِرَاهِ اَنْ يَكُونَ الْاِتِّبَاعَ لِرِسَالِهِ وَ التَّصَدِيقَ بِكِتَابِهِ**» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

از این کلام امام(ع) احترام به عقاید اقلیت‌های دینی و گواهی به حقانیت کتاب‌های آسمانی استفاده می‌شود. امام علی(ع) با این سخن، نه تنها برای معتقدات و آیین پیروان کتاب‌های آسمانی احترام قائل شده، بلکه این حق را برای آنان محفوظ شمرده که اهل کتاب می‌توانند در چارچوب عقل و برهان در مورد عقاید مذهبی با مسلمین به گفتگو و بحث بپردازند و به طور آزاد از معتقدات خویش دفاع کنند.

۳. آزادی بیان

بیان آزادانه عقاید و افکار توسط اقلیت‌ها در دوره صدر اسلام و به ویژه زمان حکومت حضرت امیر(ع) مکرراً وجود داشته است، حتی شخص یهودی به راحتی می‌تواند به حضور حاکم اسلام برسد و پاسخ خود را دریافت نماید؛ شخص یهودی به حضرت گفت:

شما از دفن پیامبرتان فارغ نشده بودید که اختلاف کردید. حضرت فرمود: ما در آنچه از او رسیده بود، اختلاف کردیم، نه در خود ایشان (به نقل از: حسینی، ۱۳۸۷).

۴. تابعیت اکتسابی اقلیت‌های دینی

«لا تنقضون عهدهم لبعثه عاتب» (نهج البلاغه، نامه ۷۴).

در دیدگاه امام، اقلیت‌های دینی، بیگانه و کسانی نیستند که هیچ دخالتی در سرنوشت و تعیین حقوق خویش نداشته باشند و همین طور مفهوم تابعیت در دیدگاه امام بر اساس خون، زبان و سایر عناصر مادی دیگر شکل نمی‌گیرد؛ بلکه تابعیت یا تأسیس حقوقی مبتنی بر اختیار و مربوط به اراده و عقیده افراد است و هر فرد با قبول اسلام به تابعیت جامعه اسلامی پذیرفته می‌شود (عمید زنجانی، بی تا).

۵. حق امنیت و مصونیت

یکی از وظایف حکومت اسلامی، تأمین امنیت مردم و از جمله آنها اقلیت‌ها است که به هر شکل ممکن در تحصیل این مهم باید تلاش نماید. یکی از راه‌های ایجاد امنیت اقلیت‌های دینی، قرارداد مهادنه است که در اصطلاح فقه اسلامی به معنی صلح (متارکه جنگ) است؛ که به وسیله آن می‌توانند در جامعه اسلامی در امنیت کامل به زندگی خویش ادامه دهند. حضرت در نامه‌ای که به مالک می‌نویسند، بر بحث امنیت تأکید می‌کنند: «ای مالک! همانند گرگ نباش که خوردن گوشت رعیت خود را غنیمت می‌شمرد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۶. برخورداری از عدالت اجتماعی

عدالت، یکی از ارکان جامعه اسلامی است که در صورت اجرای آن بسیاری از مشکلات به وجود نخواهد آمد. حضرت در نامه‌ای به مالک می‌نویسد: «عدالت را به اهل ذمه اجرا کن، به مظلوم حق بده و به ستمگر سخت بگیر». حضرت در رفتار و کردار هم خود را ملزم به اجرای عدالت می‌دانست. امام اول شیعیان درباره مرد مسلمانی که با زن مسیحی زنا کرده بود، دستور داد تا در مورد مرد حد اسلامی را اجرا نمایند و زن را به اجرای احکام دین خویش واگذارند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۱۵۲). همچنین فرمود: «اگر یهودی و مجوسی از همدیگر بکشند، قصاص می‌شوند و در صورتی که عمداً کشته باشند، هر کدام در برابر دیگری کشته می‌شوند» (کلینی، بی تا، ج ۷، ص ۳۰۹).

۷. حقوق مالی و اقتصادی

اسلام به جز جزیه و آنچه در مقابل حمایتی که اسلام از اهل ذمه در مقابل دشمن می‌کند، مالیات دیگری بر آنان واجب نکرده است. در همین اخذ جزیه هم به تفاوت‌ها توجه نموده و وضعیت فقیران، بچه‌ها، زنان و بردگان را مورد توجه قرار داده است. حضرت امیر(ع) در زمان حکومتش، پیرمرد ناتوانی را در حال گدایی مشاهده کرد. درباره این شخص از اصحابش سؤال نمود، جواب دادند که او نصرانی است. حضرت به عتاب فرمود: تا زمانی که او جوان بود، از او کار کشیدید، حال که پیر و عاجز شده، از کمک به او خودداری می‌کنید! سپس فرمود: از بیت المال به او روزی دهید (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۴۹).

۸. حقوق شخصی و مدنی

اقلیت‌ها هم مانند بقیه افراد از حقوق مدنی برخوردارند. حقوق مدنی عبارت است از: تکریم آنها، دروغ نگفتن، حيله و نیرنگ نکردن، توکیل شدن، جواز وقف اموال برای ساختن معبد، ممنوعیت ورود به خانه آنها بدون اجازه، ضرورت پای‌بندی به تعهدات. ما می‌توانیم در زندگی ائمه(ع) رعایت این حقوق را مشاهده نماییم.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در مسافرت با یک مرد شامی همراه شد و با او بسیار با مهربانی و عطوفت رفتار نمود. بعد از طی مسافتی در نقطه‌ای که باید آن دو از همدیگر جدا می‌شدند، حضرت مقداری از مسیر را با مرد شامی رفت و او را بدرقه نمود. مرد غریبه با تعجب سؤال کرد: چرا شما به سمت کوفه نمی‌روید و من را همراهی می‌کنید؟! حضرت فرمود: پیامبر ما برای دو نفر که با هم همراه و دوست هستند، حقوقی را معین فرمود و از جمله آنها اینکه بعد از جدا شدن مسیر، قدری دیگری را بدرقه نماید. مرد (نصرانی یا یهودی) بعد از ملاحظه این رفتار زیبا و شناخت حاکم اسلامی، مسلمان شد (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۱).

۹. تساوی در برابر قانون

امیرالمؤمنین در زمانی که حاکم اسلامی در کوفه بودند، زره خود را دست مرد یهودی دید و به او گفت: من مالک این زره هستم، ولی شخص یهودی نپذیرفت و کار به دادگاه و نزد قاضی شریح کشیده شد. حضرت فرمود: این زره برای من است؛ نه آن را فروختم و نه به کسی بخشیده‌ام. قاضی از امام درخواست دو شاهد نمود. ایشان هم امام حسین(ع) و قنبر را معرفی کرد. شریح گفت: شهادت فرزند و بنده مورد پذیرش نیست. در نهایت قاضی، حاکم اسلامی را محکوم کرد. یهودی با دیدن این صحنه مسلمان شد و گفت: شما امیرالمؤمنین(ع) هستید و این زره برای شماست؛ چون من آن را در جنگ صفین، وقتی از شتر شما بر زمین افتاد برداشتم و نزد خود نگه داشتم (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۵۶).

۱۰. آزادی برگزاری مراسم و شعایر دینی

این اصل بر اساس قرارداد مشترک به اقلیت‌های دینی اعطاء می‌شود. آنها می‌توانند به صورت فردی یا دسته جمعی در معابد یا اماکن مقدس خویش مراسم‌های عبادی را انجام دهند و کسی حق تعرض به آنها را ندارد. بدیهی است در مورد برخی از شعایر دینی، ممکن است که محدودیت‌هایی بر طبق مواد قرارداد مشترک ذمه پیش‌بینی شود؛ ولی اصل آزادی مراسم مذهبی یک حق غیر قابل سلب برای اقلیت‌های متعهد محفوظ خواهد بود. مراجعه به سیره عملی پیشوایان مذهبی، به خصوص دوران پنج ساله حکومت امام علی(ع) به خوبی نمایانگر این وضعیت است (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۴).

نتیجه‌گیری

مباحثی که درباره حقوق اقلیت‌ها در سیره امام علی(ع) بیان شد، اگر چه به طور کامل نبود، ولی نمونه‌هایی از آنها که در تحقیق آمد، نشانگر این نکته مهم و اساسی است که احکام اسلامی که ائمه معصومین مجری آن هستند، توجه خاص و ویژه نسبت به اقلیت‌ها دارد؛ به طوری که آنها در صورت تمایل و عقد قرارداد می‌توانند به راحتی و در امنیت کامل در سرزمین‌های اسلامی به حیات خویش ادامه دهند و مجاز به انجام فعالیت‌های گوناگون هستند.

اهمیت همین مقدار اندک بیان شده، در مقایسه با شرایط کنونی و اسناد و مدارک بین‌المللی، که در زمینه حقوق اقلیت‌ها به تصویب مجامع بین‌المللی رسیده، آشکار می‌شود؛ به ویژه، با توجه به اینکه که این وضعیت ناظر به قریب چهارده قرن پیش است. امید است که با ترسیم بهتر این حقوق در کنار وظایف و تکالیف اقلیت‌ها، الگوی خوبی از حکومت علوی به عنوان بهترین نمونه برای جهانیان معرفی شود.

فهرست منابع

۱. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم: انتشارات عهد.
۲. نهج البلاغه (بی‌تا)، با ترجمه و شرح محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، چاپ دهم.
۳. تُرنبری، پاتریک (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه آریتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳)، وسایل الشیعه، چاپ پنجم، بیروت: احیاء التراث العربی.
۵. حسینی، سیدحسین (۱۳۸۷)، «حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی»، پگاه حوزه، ش ۲۲۹.
۶. خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰)، اقلیت‌ها، چاپ اول، تهران: نشر پژوهش شیرازه.
۷. سایت گوگل: طاهری، افشین، «حقوق شهروند ایرانی از عهد باستان تا عهد ظهور اسلام».
۸. سایت گوگل: مفتاح، محمد صالح، «مبانی حقوق شهروندی».
۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۰)، حقوق اقلیت‌ها، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۰. _____ (بی‌تا)، «امام علی (ع) و حقوق اقلیت‌ها»، فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۸.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، اصول کافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، ج ۴۱، بیروت: مؤسسه الوفاء.